



گزارش
هفته



■ بهانه ای برای شروع جنگ ترکیبی

وقتی اواخر شهریورماه امسال، خبر تأثیر برانگیز درگذشت یک دختر جوان در رسانه ها پخش شد، شاید کسی تصور نمی کرد که این اتفاق، بهانه ای برای دشمنان این مرز و بوم برای آشوب آفرینی و کلید زدن پروژه نامن سازی ایران عزیز باشد! در شرایطی که باور عمومی جامعه ایرانی و امید آنها به پیشرفت و حل مشکلات کشور در ماه های پیش از آن، به طور محسوسی افزایش یافته، دشمن به دنبال فرصت و دستاویزی افتاده بود تا علاوه بر نامن کردن محیط عمومی کشور و حرکت به سمت جنگ داخلی، اهداف شوم خود را برای تحقق آرزوی چهل و چند ساله اش با جدیت بیشتری دنبال کند؛ یعنی نابودی ایران و ایرانی!

اما این بار، دشمنان قسم خورده این مردم، با سازوبرگ جنگی جدیدی پا به میدان گذاشتند و یک جنگ ترکیبی تمام عیار را کلید زدند؛ جنگی با ترکیب اغتشاش خیابانی، عملیات روانی و رسانه ای، نامن سازی مرزها و پشتیبانی مالی و تسلیحاتی از بیرون مرزها. رکن اصلی این جنگ ترکیبی و نفس گیر، تنها دروغ و تحریف است: «امروز مهم ترین شیوه ی دشمن، جعل و دروغ پردازی است. الان مهم ترین کاری که دشمن دارد می کند [انتشار] دروغ است؛ یعنی همین تلویزیون هایی که میدانید و می بینید مال دشمن است یا همین فضای مجازی، خبر دروغ می دهند، تحلیل دروغ می دهند، کشته ی دروغ معرفی میکنند، آدمها را بدروغ، یکی را بد میکنند، یکی را خوب میکنند؛ دروغ یک عده هم باور میکنند. بدانید دشمن امروز بر پایه ی دروغ و دروغ پردازی دارد کار میکند.» ● ۱۴۰۱/۹/۵ «(دشمن هم میفهمد که چشم و گوش جوان امروز باز است... این همه دروغ، این همه خلاف واقع، این همه حرفهای انحرافی، این همه تهمت، برای این است که دشمن برای این ذهن فعال محتوا درست کند.» ● ۱۴۰۱/۸/۱

■ تنوع محصولات ماشین دروغ سازی

تلاش دشمن برای پیروزی در جنگ ترکیبی، با بهره گیری گسترده از چاشنی دروغ و تحریف دنبال می شود؛ گویی، خستگی و هیچ حدود مرزی هم در این عملیات فریب و دروغ، برای آنان وجود ندارد. مهم این است که ماشین دروغ سازی دشمن از هر مسئله حساسیت برانگیزی، برای ارائه اطلاعات غلط، ناقص یا جعلی به بدنه جامعه استفاده کند. در گام اول، درباره علت فوت خانم جوان، دروغ سازی می شود و با وجود گواهی دوربین های مدار بسته و اظهارات شاهد عینی، دائماً این دروغ را تکرار و تزیین می کنند که عامل بد حالی و فوت وی، نه عارضه مغزی، بلکه ضرب و جرح توسط پلیس بوده است! بعد از آن هم که پروژه آشوب در کف خیابان و به انحراف کشاندن اعتراض منطقی مردم ادامه در صفحه ۳

شیوه مقابله ملت ایران

با جنگ ترکیبی چیه استکبار

و ماشین جعل و دروغ پردازی آن چیست؟

جهاد تبیین

در برابر دروغ پراکنی

یادداشت هفته | ۲



مروری بر ضرورت و الزامات اصلاح معضلات فرهنگی از منظر رهبر انقلاب

بازسازی انقلابی هویت فرهنگی جامعه

شهید هفته



خیری بالاتر از شهادت وجود ندارد

این شماره تقدیم می شود به روح مطهر شهید احمد صالحی

چقدر باید کسی نمک نشناس و قدر ناشناس و از اخلاق انسانی به دور باشد که قدر شهدای کشور خود را نشناسد. شهید یعنی انسانی که سلامت، دنیا، رفاه و بالاتر از همه، حیات خود را کف دست گرفته و رفته است تا از کشور، ناموس و ارزشهای مورد احترام خود و در واقع از یکایک آحاد مردم کشورش دفاع کند. این معنای شهید است... جان باختن انسان در راه خدا، سقف نیکی است و بالاتر از این هیچ خیری وجود ندارد. ● ۱۳۷۴/۷/۲۲



مروری بر ضرورت و الزامات اصلاح معضلات فرهنگی از منظر رهبر انقلاب

بازسازی انقلابی هویت فرهنگی جامعه

«قوم یک کشور به فرهنگ است.» (۱۳۷۵/۹/۲۰) به این معنا که «فرهنگ یک ملت است که می‌تواند آن ملت را پیشرفته، عزیز، توانا، عالم، فناور، نوآور و دارای آبروی جهانی کند.» (۱۳۸۳/۲/۲۸) لذا باتوجه به اهمیت مسئله‌ی فرهنگ «اگر ما دنبال استقلال هستیم، باید به فرهنگ مراجعه کنیم و روی فرهنگ کار کنیم. اگر دنبال خودکفایی و رفاه عمومی مردم هستیم، اگر به دنبال تئین مردم و یک تمدن بزرگ اسلامی هستیم باید بر روی مسأله‌ی فرهنگ تأمل و تلاش و توجه و سرمایه‌گذاری ویژه‌ای بکنیم.» (۱۳۷۵/۹/۲۰)

انقلاب اسلامی گزاره‌های غلط کشور را تغییر داد

انقلاب اسلامی «با روحیه تهاجمی خود بنیان‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و گزاره‌های غلط حاکم بر اذهان مردم را تغییر داد.» (۱۴۰۱/۹/۱۵) و این در حالی بود که ملت ایران مورد تهاجم فرهنگی بود، «کسانی که رژیم پهلوی را روی کار آوردند، هیچ کدام از شاخصه‌های ملیت را حاضر نبودند تحمل کنند... [عناصر رژیم پهلوی] حاضر نشدند قبول کنند که ما حتی لباس محلی داشته باشیم... این، عمل به همان توصیه‌ی است که میگفت ایرانی باید از فرق سرتا نوک پا فرنگی شود!» (۱۳۸۳/۲/۲۸) «انقلاب اسلامی که آمد، مثل مشت‌به‌سینه مهاجم خورد؛ او را عقب انداخت و تهاجم را متوقف کرد.» (۱۳۷۱/۵/۲۱) قبل از انقلاب «ملتی بودیم زبردست و غرقه در بی‌هدفی و ناامیدی؛ ما ملتی بودیم وابسته؛ ملتی بودیم که بعد ما را عقب نگه داشته بودند؛ هم فکر خود را بر ما تحمیل میکردند، هم فرهنگ خود را؛ هم منابع اقتصادی ما را میبردند و هم کاروان لجنزاری از عاداتی زشت را به سوی کشور ما سرازیر میکردند.» (۱۳۹۴/۳/۱۴) این آسیب فرهنگی کشور را از حرکت باز می‌داشت، به خاطر اینکه «اگر فرهنگ در کشوری دچار انحطاط شد و یک کشور هویت فرهنگی خودش را از دست داد، حتی پیشرفتهایی که دیگران به آن کشور تزریق کنند، نخواهد توانست آن کشور را از جایگاه شایسته‌ی در مجموعه‌ی بشریت برخوردار کند و منافع آن ملت را حفظ کند.» (۱۳۸۳/۲/۲۸)

بافرنگ انقلاب، خلیقات خوب و برکات در کشور آشکار شد

در نتیجه از همان ابتدای انقلاب (نقشه‌ی راه امام این بود که طرح جدید را از گذشته‌ی منحل کشور جدا کند... به این صورت که طرحی که ارائه میکرد و پیشنهاد میکرد برای اداره‌ی کشور، در ذیل فرهنگ و تمدن و قاموس غربی قرار نگیرد... امام اصرار داشت که طرح جمهوری اسلامی، در ذیل آنچه در غرب به آن میگویند جمهوری یا مردم‌سالاری قرار نگیرد.» (۱۴۰۱/۳/۱۴) در عرصه‌ی عمومی جامعه «در دوران اول انقلاب، شما ناآهان دیدید که مردم ما در ظرف مدت کوتاهی، تغییرات اساسی در خلیقات خودشان احساس کردند؛ گذشت در بین مردم زیاد شد؛ آرزو و طمع کم شد؛ همکاری زیاد شد؛ گرایش به دین زیاد شد؛ اسراف کم شد؛ قناعت زیاد شد.» (۱۳۷۱/۵/۲۱) در تداوم رویکرد فرهنگی انقلاب «برکاتی بر این کار مترتب شد که این برکات به هیچ وجه ممکن نبود در این کشور به وجود بیاید. این نوآوریها، این پیشرفتهای علمی، این

جسارت وارد شدن در عرصه‌های نو علمی و تحقیقی به خاطر همین اعتماد به نفسی است که از احیاء هویت ملی پیدا شده است؛ این را انقلاب به وجود آورد.» (۱۳۸۳/۲/۲۸) «دشمن می‌خواهد بگوید که شما نمیتوانید.» (۱۳۹۷/۸/۱) اما «انقلاب با سازندگی و حرکت‌های خلاقانه ذهنیت "ما نمی‌توانیم" را به تدریج تغییر داد که نتیجه آن انجام کارهای بزرگی همچون ساخت سدها، نیروگاهها، بزرگراهها، تجهیزات صنایع نفت و گاز و بسیاری از زیرساختها به دست متخصصان جوان داخلی بود.» (۱۴۰۱/۹/۱۵)

فرهنگ کشور احتیاج به بازسازی دارد

مسئله‌ی فرهنگ منشأ همه‌ی فعالیتهای خوب و بد جامعه است، «فرهنگ واقعاً زیربنا است؛ خیلی از این خطاهایی که ما در بخشهای مختلف انجام میدهیم، ناشی از فرهنگ حاکم بر ذهن ما است. اگر ما اسراف داریم، اگر ما تقلید کورکورانه داریم، اگر ما سبک زندگی غلط داریم، اینها ناشی از مشکلات فرهنگی است؛ فرهنگ حاکم بر ذهنها است که در عمل، این مشکلات را به وجود می‌آورد. زندگی‌های تقلیدی، زندگی‌های تجملاتی و اشرافیگری، غالباً منشأ و ریشه‌ی فرهنگی دارد.» (۱۴۰۰/۶/۶) لذا «ساختار فرهنگی کشور نیاز به یک بازسازی انقلابی دارد. ما مشکل داریم در ساختار فرهنگی کشور؛ و یک حرکت انقلابی لازم است.» (۱۴۰۰/۶/۶) «منظور از ساختار، ساختار فرهنگی جامعه و ذهنیت و فرهنگ حاکم بر آن و در یک کلام نرم‌افزاری است که افراد جامعه بر اساس آن در زندگی فردی و جمعی خود عمل می‌کنند.» (۱۴۰۱/۹/۱۵)

کار فرهنگی در سراسر کشور گسترش یابد

اما گذشته از اصلاح ساختاری فرهنگ که متوجه مسئولین است، در زمینه‌ی کارهای فرهنگی وظایفی بر عهده‌ی عموم مردم خواهد بود. «کار فرهنگی یعنی کاری که ذهنها را با فرهنگ انقلاب و فرهنگ اسلام آشنا کند.» (۱۳۹۵/۳/۲۹) نمونه‌ی بارز کار فرهنگی تشکیل «کارگروه‌های فرهنگی در سراسر کشور و در مساجد [است]... الان هر جایی که شما یک گروه جوان را پیدا کنید - جوان متشکل و بافکرو صاحب ذهن فعال - که دست به کار فرهنگی میزنند مثلاً در یک مسجدی، در یک هیئت عزاداری‌ای اینها میتوانند روی جوانها تأثیر بگذارند، روی محله تأثیر بگذارند، روی خوشایندان تأثیر بگذارند، روی مجموعه‌های دانشجویی تأثیر بگذارند، یک حرکتی، یک عزمی، یک بینش و بینایی‌ای را در یک مجموعه‌ای به وجود بیاورند.» (۱۳۹۸/۳/۸) «در تمام کشور، جوانها و صاحبان اندیشه و فکر، صاحبان همت، خودشان با ابتکار خودشان، کار را - کارهای فرهنگی را - پیش ببرند، منافذ فرهنگی را بشناسند و در مقابل آنها، کار انجام بدهند.» (۱۳۹۶/۴/۵)

کار فرهنگی صحیح، تأمین‌کننده تربیت ایمانی و انقلابی است

البته کار فرهنگی الزاماتی نیز دارد، که اولین آن شناخت صحیح هدف است، «نشانه‌ی یک کار فرهنگی صحیح در رعایت دقیق هدفی است که برای آن انتخاب شده است.» (۱۳۷۵/۷/۲۰)

به عبارت دیگر «کار فرهنگی، آن چیزی نیست که لباس فرهنگی دارد. لباس فرهنگی، یعنی نوشته و کاغذ و قلم و امثال اینها. این، فرهنگ میشود؛ اما کار فرهنگی نیست. کار فرهنگی، یعنی روح فرهنگی در آن باشد، یک حرکت فرهنگی باشد، رشد بدهد و فعل و انفعال را در ذهن و مغز و جان و عواطف انسان به وجود آورد.» (۱۳۶۹/۱۰/۲۳) «آسیب توجه نکردن به این مورد می‌شود که» (بعضی‌ها کار فرهنگی را در داخل دانشگاه با کنسرت و اردوهای مختلط اشتباه گرفته‌اند؛ خیال میکنند کار [فرهنگی این است]؛ میگویند باید دانشجو شاد باشد؛ شاد بودن برای هر محیطی چیز خوبی است اما چه جوری؟ به چه قیمتی؟» (۱۳۹۴/۸/۲۰) «لذا (باید کار فرهنگی دانشگاه این جوری باشد که افرادی تربیت کند مؤمن، متخلق - با اخلاق خوب - انقلابی؛ کار فرهنگی چیزی است که اینها را تأمین کند. کار فرهنگی درست آن چیزی است که جوان ما را انقلابی بار بیاورد.» (۱۳۹۴/۸/۲۰)

در کار فرهنگی شب و روز نشناسیم

دومین الزام کار فرهنگی، ابتکاری بودن است، «(توصیه‌ی من فقط موضع دفاعی نیست؛ اما موضع اثباتی، موضع تهاجمی، موضع حرکت صحیح باید داشته باشیم. به‌هر حال در مقابل فرهنگ مهاجم، بدترین کار، انفعال است؛ زشت‌ترین کار، انفعال است؛ خسارت‌بارترین کار، انفعال است. فرهنگ مهاجم نباید ما را منفعَل بکند.» (۱۳۹۲/۹/۱۹) سومین الزام پرهیز از کارهای ظاهری است، «(در زمینه‌های فرهنگی، دنبال کارهای تشریفاتی و ویترینی نباشید. نمایش دادن کار فرهنگی، نه اینکه فایده‌ای ندارد؛ ضرر هم دارد. در زمینه‌ی فرهنگ باید دنبال کارهای محتوایی و اصیل و واقعی رفت، که امروز نیاز عمده‌ی کشور هم این است.» (۱۳۸۹/۶/۸) «تولید فرهنگی نقش منحصر به فردی دارد، (در فرهنگ هم - مثل مسائل اقتصادی - اگر تولید نکردیم، به واردات احتیاج پیدا میکنیم... اگر شما تولید فرهنگی نکردید، واردات فرهنگی - چه به صورت رسمی، چه به صورت قاچاق - وارد کشور میشوند.» (۱۳۹۵/۱۲/۱۶) الزامات است، «(نیروهای مؤمن، نیروهای اصیل و معتقد در سرتاسر کشور آماده به کار باشند. آماده به کار به معنای آمادگی جنگ نیست؛ یعنی هم آمادگی کار اقتصادی باشند، هم آمادگی کار سیاسی باشند، هم آمادگی حضور در میدانها و عرصه‌های مختلف باشند... در مقابل این جهت‌گیری‌های دشمنان - که دشمنان ما شب و روز نمی‌شناسند - ما هم بایستی شب و روز نشناسیم و همه آماده باشیم.» (۱۳۹۴/۶/۸) «به عنوان کلام آخر، بدانیم (ما هر چه امتیاز داریم، ناشی از همین هویت فرهنگی است؛ اگر این هویت فرهنگی نبود، انقلاب ما هم پیروز نمیشد. اگر این هویت فرهنگی نبود، یک امامی مثل امام ما که نهضت را به وجود آورد و به سرانجام رساند، اصلاً خلق نمیشد، درست نمیشد. امام بزرگوار، ساخته و پرداخته‌ی همین فرهنگ است. همین هویت فرهنگی است که آدمی مثل امام را در جامعه پرورش میدهد؛ این را باید نگه داشت.» (۱۳۹۳/۴/۲۱)

ادامه از صفحه ۱

کلید می خورد، در سطحی وسیع تر و متنوع، عملیات روانی و رسانه ای را بر پایه دروغ دنبال می کنند. کشته سازی و اعلام آمارهای جعلی و غیرواقعی درباره جان باختگان فلان غائله، تحریف و دروغ گویی و اتهام زنی به نظام اسلامی درباره علت حوادث رخ داده با کلیدواژه بوسیده «کار خودشان است» - نظیر آنچه درباره حوادث تروریستی شاهچراغ و ایذه به کار گرفته شد - پخش وسیع خبرهایی از قبیل گروگان گرفته شدن خانواده یک ورزشکار و تحریک برخی چهره های هنری و ورزشی برای باز نشر این اخبار دروغ در صفحات مجازی، تنها نمونه هایی از ترفند دروغ سازی دشمن در این جنگ ترکیبی است: «دشمن در رسانه ها لشکر سازی میکند؛ لشکر سازی کاذب، انبوه سازی دروغ، می بیند در رسانه های گوناگون دشمن، جوری وانمود میکند که آدم غافل و بی خبر تصوّر میکند که واقعا یک خبری است؛ [در حالی که] واقع قضیه این نیست.» ● ۱۴۰۱/۸/۲۸

هدف این عملیات دروغ و جعل نیز کاملاً روشن است: اختلال در دستگاه فکری و محاسباتی مردم و نخبگان و تحریف وجهه نظام اسلامی در افکار عمومی. وقتی حجم وسیعی از اخبار دروغین و غیرواقعی بارنگ و لعاب هنر و رسانه به خورد مخاطب داده شود، به تدریج نظام فکری و تصمیم گیری او را نیز تغییر می دهد: «یک قضیه ی خلاف واقع را، یک حادثه ی دروغین را، در سکوهای اطلاعاتی شان در اینترنت، هزاران بار تکرار می کنند اما اسم آرشام [کودک شهید حادثه ی تروریستی شاهچراغ] را در اینترنت ممنوع میکنند که نباید در سکوی اینترنتی؟ چرا؟ اینها طرف دار حقوق بشرند؟ اینها را بشناسیم؛ اینها را بشناسید!» ● ۱۴۰۱/۸/۲۸

راه مقابله چیست؟

تجربه نشان داده است که هر جای دنیا عملیات دروغ و جعل با گستردگی و استمرار دنبال شود، نتیجه تلخی هم عاید جامعه هدف می شود؛ در واقع، وقتی دشمن موفق شد، با تکرار هنرمندانه و جذاب دروغ، باور جامعه هدف را تغییر دهد، زمینه برای اجرای اهدافش به راحتی فراهم می شود. حال سؤال اینجاست که راه حل مقابله با این طراحی خطرناک و پیچیده چیست؟ تنها راهکار مقابله با این دروغ های فریبنده، افشای هنرمندانه حقایق و روشن کردن ذهن افکار عمومی است، یعنی روشنگری و پاسخگویی دقیق و عمیق، به موقع و جذاب. نتیجه این مقابله هوشمندانه هم، عیان شدن دست دشمن برای مردم خواهد بود: «شما جوانها وظیفه دارید، خود شما هم باید احساس مسئولیت کنید. هم بایستی احساس مسئولیت کنید برای اینکه بتوانید تشخیص دهید حقیقت را از دروغ، به نظر من میشود؛ این جور نیست که نشود. یک چیزهایی را به حجم زیاد، با تکرار زیاد، میخوانند در ذهن ها فرو کنند اما میشود فهمید که این خلاف واقع است یا نیست. پس تشخیص حرف درست از دروغ و تحریف، ثانیاً مراقب کسانی باشید که هم صدایی میکنند؛ ارشادشان کنید. نمیگویم دعا کنید، [لکن] ارشاد کنید، تفهیم کنید. کسانی هستند که با دشمن هم صدایی میکنند؛ [البته] نه اینکه عمداً؛ بعضی ها نمیفهمند، غافلند. انسان مبینند، می شناسد افرادی را که در فضای مجازی یک چیزهایی میگویند،

در روزنامه ها مینویسند؛ معاند نیستند، [لکن] بد میفهمند؛ اینها را باید ارشاد کرد. بهترین کسانی که میتوانند ارشاد کنند، خود شما جوانها هستید؛ برایشان بنویسید، بگویید، پیام بدهید، تفهیم کنید، استدلال کنید در اجتماعاتان!» ● ۱۴۰۱/۸/۲۸

همان طور که دشمنان این مرز و بوم برای دروغ گویی ناجوانمردانه و همه جانبه، همه ابزارها و امکانات خود را به کار می گیرند و به صورت هماهنگ، بر طبل دروغ و تحریف می کوبند، جبهه خودی نیز برای جلوگیری از آسیب به اذهان مردم و از دست رفتن سرمایه های ارزشمند انسانی این آب و خاک، باید هماهنگ، یکدل، عالمانه، به سرعت و هنرمندانه اقدام کند. در این میدان مبارزه، باید از استعداد های جوان و ناشناخته در میدان جنگ نرم، بهره گیری شده و از روش های غلط و ناکارآمد رسانه ای خودداری شود. فعالان فرهنگی و رسانه ای، باید هوشمندانه، به ترفند های دشمن بپردازند و مشت چدنی او را در مقابل چشمان مردم باز کنند و برای صیانت از حریم باور و ذهن مردم، شب و روز شناسند. اینها از وظایف مهم جبهه خودی و همه مؤمنین انقلابی است: «بدانید دشمن امروز بر پایه ی دروغ و دروغ پردازی دارد کار میکند. خوب وقتی که دانستید، طبعاً وظیفه می آید روی دوستان. تبیین کنید. «جهاد تبیین» که گفتیم، یکی از جاهایش اینجا است؛ جهاد تبیین... یکی از آسیب پذیری های دشمن، روشن بینی شما است. شما که روشن بین باشید، او آسیب مبینند. سعی کنید روشن بینی خودتان را افزایش بدهید. دشمن دنبال این است که بر مغزها تسلط پیدا کند. تسلط بر مغزها برای دشمن خیلی با ارزش تر از تسلط بر سرزمین ها است. اگر مغز یک ملت را توانستند تصرف کنند، آن ملت سرزمین خودش را دودستی به دشمن تقدیم میکند. مغزها را باید حفظ کرد؛ تسلط بر مغزها، یک عده ای خودشان دروغ نگفتند، اما متأسفانه دروغ دشمن را تأیید کردند. مراقب باشید این خطرها برای شما و برای مردمتان پیش نیاید؛ به مردمتان کمک کنید.» ● ۱۴۰۱/۹/۵

رسانه ملی و رسانه های عمومی، تشکل های فرهنگی مردمی و دانشجویی و نخبگان دغدغه مند نسبت به آینده کشور، همه و همه نقش آفرینان این میدان نبرد نرم و رسانه ای هستند که نباید لحظه ای از مسئولیت خود در قبال مردم غافل شوند؛ هر چند مسئولان اجرایی کشور نیز، با کار جهادی شبانه روزی و مدبرانه، باید زمینه ها و بسترهای جولان دشمنان و معاندین را که در کمین گاه نشسته اند، از بین ببرند: «اینکه من مدام میگویم «جهاد تبیین، جهاد تبیین» برای این است. محتوا را شما درست کنید؛ به مسئولین دارم میگویم؛ مسئولین رسانه ها، مسئولین امور ارتباطات، قبل از اینکه دشمن، محتوای غلط و انحرافی و دروغ درست کند، شما محتوای دارای حقیقت و صحیح را درست کنید، انتقال بدهید به ذهن جوانها؛ دشمن مشغول این کار است... مسئولین باید احساس مسئولیت کنند، بدانند که چرا دشمن روی فلان کلمه، روی فلان اسم حساس است و مینبذ آن را، و چرا این همه حجم دروغ را در فضای مجازی منتشر میکند؛ و علاج کنند، مقابله کنند.» ● ۱۴۰۱/۸/۲۸

صبر از نخستین دستورات خداوند

به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بود

از اوّل بعثت، خدای متعال دستور صبر به پیغمبر داده است؛ در سوره ی مدّثر: «وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ»^(۱) در سوره ی مّثل: «وَاصْبِرْ عَلٰی مَا يَقُولُونَ»^(۲) و سوره ی مدّثر و مّثل جزو اوّلین سوره هایی است که بر پیغمبر نازل شده. از همان قدم اوّل، خدای متعال به پیغمبر میگوید باید صبر داشته باشی. بله، من اینجا یاد داشت کرده ام که قریب به بیست جا خطاب به پیغمبر، امر به صبر شده: «فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ»^(۳) تا موارد متعدّد دیگر. صبر یعنی چه؟ صبر یعنی پایداری. معروف است، در روایات متعدّد هم هست که صبر تقسیم میشود به صبر عن المعصية، صبر علی الطاعة و صبر در مقابل حوادث^(۴) خب صبر یعنی پایداری؛ در مقابل میل به گناه. انسان پایداری کند؛ در مقابل بی حالی و بیگاری و تنبلی به انجام وظیفه، انسان پایداری کند؛ در مقابل دشمن پایداری کند؛ در مقابل مصائب گوناگون، خودش را حفظ کند. نفسش را حفظ کند، پایداری کند؛ این معنای صبر است؛ صبر یعنی پایداری. ما امروز بیش از همه چیز احتیاج داریم به پایداری. ● ۱۴۰۰/۸/۲۲

- ۱- سوره ی مدّثر، آیه ی ۷ - ۲- سوره مّثل، بخشی از آیه ۱
- ۳- از جمله، سوره ی قلم، آیه ی ۴۸ - ۴- کافی، ج ۲، ص ۹۱

درس اخلاق

از سوء ظن و تهمت به مومن بپرهیزیم

اخلاق اسلامی [داشته باشیم]؛ تواضع داشته باشیم، گذشت داشته باشیم - اینها اخلاق اسلامی است - سهل گیری در مسائل شخصی داشته باشیم. در مسائل عمومی و آنچه به حقوق مردم و حقوق عمومی و حقوق دیگران مربوط است، نه، سهل انگاری جایز نیست اما در مسائل شخصی سهل انگاری داشته باشیم، سهل گیری داشته باشیم؛ احسان، پرهیز از دروغ، پرهیز از تهمت، پرهیز از سوء ظنّ به مؤمن، گذشت از مؤمنین. در یکی از دعا های صحیفه ی سجّادیه، عمده ی مضمون این دعا همین است که پروردگارا! هر کسی که به من ظلم کرده، به من [مطلب] ناروایی نسبت داده، کار خلافی کرده، من مظلومه ای برگردن او دارم، از او گذشتم؛ این دعا ی امام سجّاد در صحیفه ی سجّادیه است. اینها است دیگر؛ بایستی وظایفمان را عمل کنیم.» ● ۱۴۰۰/۸/۲۲

خطبه های انقلاب

وعده الهی، عزت ملت های مسلمان است

وعده الهی تحقق پیدا میکند؛ منتها بعد از مدّت زمانی. وعده الهی این است که ملت های مسلمان را عزیز کند. این یک شبهه که ممکن نیست؛ بدون تلاش و عمل هم ممکن نیست. وعده الهی این بود که هر ملتی در راه خدا مبارزه کند و ایمان داشته باشد، پیروز شود. بسیار خوب؛ شما ملت ایران ایمان داشتید، مبارزه کردید، پیروز شدید. وعده الهی این است که شما بعد از این پیروزی، با دشمنان خدا درگیر خواهید شد و اگر پافشاری و صبر و ایستادگی کنید، باز هم پیروز خواهید شد؛ یعنی هم وعده پیروزی هست، هم وعده درگیری هست. آری؛ وقتیکه قدرت الهی، قدرت اسلام، قدرت قرآن، قدرت معنویت، در یک جا علم بر میافرازد، کسانی که مخالف معنویتند، دشمنی میکنند؛ کسانی که اهل ظلمند، دشمنی میکنند؛ کسانی که اهل فسادند، دشمنی میکنند؛ کسانی که به هر جهتی معنویت و دین را بر زمین می اندازند، دشمنی میکنند... اگر مبارزه کردید، اگر ایستادید، اگر صبر و ثبات خودتان را از دست ندادید، شما پیروزید؛ اما اگر هار کردید، احساس ضعف کردید، احساس نومیدی کردید، عقبگرد کردید، نه. ● ۱۳۷۷/۱۰/۴



دست‌های تفرقه انداز بین اقشار ملت، قطع خواهد شد

نهضت ایران چه نهضت بزرگی بود و چه برکاتی داشت. نهضت اسلام بود، نهضتی که بانوان، همدوش با برادران خود، آن را به آخر رساندند و می‌رسانند... لکن اشخاص ضعیف بیچاره نمی‌توانند این نهضت را ببینند؛ در صدد تفرقه هستند. اینها اشخاصی هستند که می‌خواهند بین اقشار ملت جدایی بیندازند برای آنکه با تفرقه می‌توانند منافع خودشان را تأمین کنند، با تفرقه می‌توانند برای اربابهای خودشان یک مقامی در اینجا درست کنند؛ لکن باید مطمئن باشند که این دستهای تفرقه انداز قطع خواهد شد. ● ۱۳۵۸/۳/۵

وظیفه ما "جهاد تبیین" در مقابل جنگ نرم دشمن است

ما قوی شده ایم. امروز جبهه‌ی حق از لحاظ زیرساخت‌ها، از لحاظ امکانات قوی شده. امروز چالش دشمن با جبهه‌ی حق آسان نیست، کار دشواری است؛ لذا است که به جنگ نرم متوسل میشوند... خوب حالا چه کار کنیم در مقابل این حرکت دشمن؟ جهاد تبیین... خوب حالا چرا میگوییم جهاد، جهاد تبیین؟ این گرفته شده است از کلام امیر المؤمنین... میفرمایند: ((وَاللَّهِ فِي الْجِهَادِ بِأَمْرِ الْيَوْمِ وَالنَّفْسِ كَمَا وَاللَّهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ))؛ جهاد با السنه. حالا خوشبختانه [از میان] ملت ما، کسانی که میتوانستند، وارد بودند، با اموالشان، با نفوسشان جهاد کردند؛ الان هم دارند جهاد میکنند؛ با السنه هم باید جهاد کرد که کسانی در این بخش هم میتوانند واقعاً فعال باشند و جهاد کنند. ● ۱۴۰۰/۱۲/۱۹

وجوب حلالیت طلبیدن برای غیبت و تهمت

سؤال: اگر کسی غیبت کرده یا به دیگری تهمت زده باشد، چگونه از گناه خود توبه کند؟ آیا باید رضایت او را جلب کند؟

جواب: باید با پشیمانی از گناه بزرگی که مرتکب شده است از خداوند، آمرزش بخواهد و تهمت را تکذیب کند و از کسی که غیبت او را کرده یا به او تهمت زده است، حلالیت بطلبد و اگر ممکن نیست یا مفسده دارد، برای او استغفار کند.

فلسفه شورای عالی انقلاب فرهنگی، بازآرایی مداوم جبهه فرهنگی انقلاب است

فلسفه وجودی شورای عالی انقلاب فرهنگی، فهم و تبیین و تثبیت و انفاذ ماهیت فرهنگی انقلاب اسلامی و بازآرایی مداوم جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی و پایش پیشرفت‌های فرهنگی کشور متناسب با ظرفیت‌ها و شایستگی‌های عظیم ایران اسلامی و انقلابی است. مدیریت راهبردی چالش‌های این حوزه با (استفاده کامل و کارآمد و هم‌افراز همه فرصت‌ها و ظرفیت‌ها) و نیز (مهارت‌دهی‌ها و آسیب‌ها با نگاه حکیمانه و معقول) و (مواجهه‌ی هوشمندانه با معارضات مهاجمان و ستیزه‌گران) از جمله تکالیف اصلی این شورا است. عرصه‌های کلیدی و اساسی همچون تولید علم، سبک زندگی، آموزش و پژوهش، فرهنگ عمومی، مهندسی فرهنگی، حوزه‌های مهمی هستند که ساماندهی آن در جمهوری اسلامی به شورای عالی انقلاب فرهنگی سپرده شده است. ● ۱۳۹۳/۷/۲۶

آذرماه؛ سالروز تشکیل شورای عالی انقلاب فرهنگی



حضور رهبر انقلاب بر مزار شهید محراب آیت‌الله سید عبدالحسین دستغیب (۱۳۸۷/۲/۱۳)

نفس گرم شهید دستغیب، جوانان را شیدای معنویت می‌کرد

شیراز مأمن اما مزادگان بزرگوار بود... آن معنویتی که شخصیتی مثل شهید بزرگوار مرحوم آیت‌الله دستغیب مظهر آن معنویت بود، از این خانواده و از این مرکز فیاض تمام نشدنی اهل بیت رذسرخشمه گرفته است. این عمق انگیزه‌ی دینی را نشان میدهد. این نورانیت، شخصیتی مثل شهید دستغیب میسازد و میپروراند و نفس گرم آن شهید عزیز، در این منطقه این همه دل جوان و جوینده را شیدای معنویت میکند؛ دل‌های جوانی که از همان روزهای اول به میدانهای جنگ رفتند. ● ۱۳۸۷/۲/۱۳

آذر، سالروز شهادت شهید محراب آیت‌الله دستغیب

حفظ سلامت روحی جامعه وابسته به نقش آفرینی زن در خانواده است

مهمترین نقشی که یک زن در هر سطحی از علم و سواد و معلومات و تحقیق و معنویت میتواند ایفاء کند، آن نقشی است که به عنوان یک مادر و به عنوان یک همسر میتواند ایفاء کند؛ این از همه‌ی کارهای دیگر او مهمتر است؛ این، آن کاری است که غیر از زن، کس دیگری نمیتواند آن را انجام دهد. گیرم این زن مسئولیت مهم دیگری هم داشته باشد - داشته باشد - اما این مسئولیت را باید مسئولیت اول و مسئولیت اصلی خودش بداند. بقای نوع بشر و رشد و بالندگی استعداد‌های درونی انسان به این وابسته است؛ حفظ سلامت روحی جامعه به این وابسته است؛ سکن و آرامش و طمأنینه در مقابل بیقراری‌ها و بی‌تابی‌ها و تلاطم‌ها به این وابسته است؛ این را نباید فراموش کنیم. ● ۱۳۸۶/۴/۱۳

برای بسیجی ناامیدی معنا ندارد

بسیجی بودن فرهنگ مجاهدان گمنام است... خطرپذیری است، نترسیدن است؛ خدمتگزاری است برای همه و برای کشور؛ از خود برای دیگران مایه گذاشتن است؛ حتی مظلوم شدن برای اینکه مظلوم را رهایی ببخشد. دیدید در این قضاای اخیر، بسیجی‌های مظلوم، خودشان مظلوم واقع شدند برای اینکه نگذارند ملت، مظلوم یک مشت اغتشاش‌گر غافل یا جاهل یا مزدور بشود؛ خودشان مظلوم واقع میشوند برای اینکه جلوی ظلم دیگران را بگیرند؛ به خودشان ناامیدی راه نمیدهند؛ این یکی از بخش‌های مهم فرهنگ بسیجی است. ناامیدی برای بسیجی معنا ندارد... دهه‌ی شخصی و هشتادی و نودی هم ندارد. ● ۱۴۰۱/۹/۵